

On the Role of Exotic Hero of Archery Target Type in *Kūshnāma* Played in Reconstructing Iranian National Identity

Liu Yingjun *

Assistant Professor, Center for Studies of Eastern Literatures and School of Foreign Languages, Peking University, China

Abstract


In the process of Islamization after the 7th century, Iranian native ancestral conception and historical identity were severely eroded and interfered by foreign ideas. Under the background of the boom of New Persian language and literature, some Iranian literati assumed the mission of being the bearers of cultural memory. Collected and compiled on the basis of the ancient Iranian oral and written legends, certain Iranian national epics composed from the 10th to the 12th century show a significant influence on the survival of Iranian cultural tradition. Among the epics, *Kūshnāma* is particularly remarkable for its creation of an alien hero. After close scrutiny of the text, we can find that this so-called “Story of the King of China” integrates the fragments of the ancient Iranians’ collective cultural memory – the bygone military conflicts between the alien enemy chieftains and the Iranian people. The hero, acting as a typical character of the “archery target type”, is derived from multiple prototypes, which include the Kushite kings, the legendary Mesopotamian Semitic kings represented by Nimrud, as well as the kings of the Kushan Empire. *Kūshnāma*, therefore, by shaping an exotic hero of the archery target type with multiple identities of foreign enemies, draws the brilliant achievements of legendary Iranian kings and heroes together. Meanwhile, it contributes to establishing a comprehensive frame of reference for the rejuvenation of Iranian national memory. In other words, through recognizing the self by concretizing the other, the epic plays an important role in refashioning Iranian national identity in the Islamic era.

Keywords: *Kūshnāma*, Character of Archery Target Type, Cultural Memory, National Identity, Iranian Epic.

* Corresponding Author: liu.yingjun@pku.edu.cn

How to Cite: Liu, Yingjun. (2023). On the Role of Exotic Hero of Archery Target Type in *Kūshnāma* Played in Reconstructing Iranian National Identity. *Literary Text Research*, 27(95), 347-377. doi: 10.22054/LTR.2022.68196.3569

کوش نامه و نقش قهرمان بیگانه «آماج گونه» در بازسازی هویت ملی ایرانیان

لیو یینگ جون *  استادیار، مرکز پژوهش‌های ادبیات شرقی و دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه پکن، چین

چکیده

در روند اسلامی شدن جامعه ایران پس از قرن هفتم میلادی، مفهوم نسب قومی و هویت تاریخی ایرانیان توسط افکار بیگانه به شدت دستخوش دگرگونی و ابهام گردید؛ اما برخی از ادبای ایرانی، با رونق یافتن زبان و ادبیات فارسی، رسالت حفظ و احیای حافظه فرهنگی را بر عهده گرفتند. برخی از حماسه‌های ملی ایران که بر اساس افسانه‌های شفاهی و مکتوب، بین قرون دهم تا دوازدهم میلادی گردآوری و منظوم شده‌اند، تأثیر به‌سزایی در بقای سنت فرهنگی ایران داشته‌اند. در میان این حماسه‌ها، کوش‌نامه به‌خاطر شکل‌دهی به یک قهرمان بیگانه، قابل توجه ویژه است. این منظومه که سراینده‌اش آن را داستانی از شاه چین خوانده است، بخش‌هایی از حافظه فرهنگی جمعی ایرانیان باستان درباره درگیری‌های نظامی دشمنان بیگانه با ایرانیان را در خود حفظ کرده است. بخش اصلی این مقاله شامل سه قسمت است. در قسمت نخست، پس از مروری مختصر بر داستان کوش پیل‌دندان، سه پیش‌نمونه برای کوش پیل‌دندان به دست داده و بررسی شده است: پادشاهان کوش در شمال آفریقا، پادشاهان سامی‌نژاد بین‌النهرین و پادشاهان امپراتوری کوشانی در شرق ایران. در قسمت دوم، با مراجعه به نظریه حافظه جمعی، مکانیسم تلفیق و ادغام پیش‌نمونه‌های چندگانه در روند شکل‌گیری شخصیت کوش پیل‌دندان مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و در قسمت سوم، بر اساس مفهوم «شخصیت آماج‌گونه» - که اصطلاحی رایج در پژوهش‌های مربوط به ادبیات عامیانه در چین است - به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت. برخلاف شاهنامه که با توصیف و به تصویر کشیدن پادشاهان و پهلوانان ایرانی، ستایش آن‌ها به‌خاطر اعمال قهرمانانه در ایجاد و حفظ تمدن و نیز دفاع از کشور، افتخارات، هویت ملی و وحدت ایرانیان را در دوران اسلامی بازسازی کرده است، کوش‌نامه از طریق ترسیم چهره یک قهرمان بیگانه که دارای هویتی چندلایه از دشمنان خارجی است، «خود» را با شکل دادن به «دیگری»^۱ شناسانده و این‌گونه به بازسازی هویت ملی ایرانیان یاری رسانیده است.

* نویسنده مسئول: liu.yingjun@pku.edu.cn

1. concretizing the other

کلیدواژه‌ها: کوش‌نامه، شخصیت آماج‌گونه، حافظه فرهنگی، هویت ملی، حماسه ایرانی.

مقدمه

در پی چیرگی سپاه مسلمانان بر سلسله ساسانی، زبان عربی نزدیک به دو قرن به‌عنوان زبان نوشتاری در ایران^۱ مورد استفاده قرار گرفت. پس از آنکه ادبیات فارسی دری^۲ در قرن نهم میلادی جوانه زد و فارسی به تدریج جایگاه زبان نوشتاری جدید در ایران را یافت، شاهنامه^۳ و دیگر حماسه‌های ملی ایران که به بازگویی تاریخ و سنت‌های فرهنگی ایران باستان می‌پرداختند یکی پس از دیگری سروده شدند. حماسه‌های ملی ایران در مجموع، یک سنت ادبی روایی فارسی^۴ را با ماهیت «ادبیات تاریخی عامیانه» ایجاد کردند و با مشارکتی جدی در بازسازی حافظه جمعی ایرانیان در دوران اسلامی، نقش مهمی در حفظ سنت‌های فرهنگی کهن ایرانی ایفا نمودند. ذبیح‌الله صفا در این باره می‌گوید: «شاهنامه گنجینه‌ای است از میراث‌های کهن ملتی که در نیمه‌راه زندگانی خویش اعتقادات قبلی خود را از قلمرو دینی به قلمرو دینی دیگر و از سنن و آیین‌هایی به سنن و آیین‌هایی نوتر منتقل ساخت و اگرچند کتاب- که شاهنامه مهم‌ترین آن‌هاست- به منزله رابطه میان این دو دوره از حیات ملی قرار نمی‌گرفت، ممکن بود ملت ایران که دین اسلام را از گیرودار حوادث جهان به غنیمت گرفته بود، آن میراث‌های کهن را به کلی از یاد ببرد و به سیرت ملتی دیگر، مانند آن‌ها که در گستره تمدن اسلامی می‌بینیم، درآید» (۱۳۷۴-آ: ۴۷).

منظومه کوش‌نامه که در آغاز قرن دوازدهم میلادی سروده شده و دارای بیش از ده هزار بیت است، از حماسه‌های ملی ایران است که با برخورداری از ارزش‌های فرهنگی، آن‌گونه با شاهنامه در پیوند است که آن‌ها را از نظر محتوایی باید مکمل یکدیگر دانست. در جستار حاضر، نخست پیش‌نمونه‌های کوش پیل‌دندان در زمینه‌ای وسیع‌تر و به‌طور مفصل واکاوی خواهد شد و سپس مکانیسم شکل‌گیری این نقش حماسی و چگونگی

۱. مقصود از «ایران» در این مقاله اصطلاح رایج «ایران بزرگ» (the greater Iran) یا «قاره فرهنگی ایرانی» (Iranian cultural continent) در ایران‌شناسی است.

۲. یا «فارسی نو» (New Persian) که در این مقاله از این پس «فارسی» نامیده می‌شود.

۳. شاهنامه در این مقاله به‌طور خاص به شاهنامه فردوسی اشاره دارد.

تأثیر آن در بازسازی هویت ملی ایرانیان مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. بخش اصلی این مقاله شامل سه قسمت است. در قسمت اول، پس از مروری مختصر بر داستان کوش پیل دندان، به بررسی پیش‌نمونه‌های چندگانه احتمالی برای کوش پیل دندان، یعنی پادشاهان کوش در شمال آفریقا، پادشاهان سامی‌نژاد بین‌النهرین و پادشاهان امپراتوری کوشانی در شرق ایران پرداخته می‌شود. در قسمت دوم، با مراجعه به نظریه حافظه جمعی، مکانیسم تلفیق و ادغام پیش‌نمونه‌های چندگانه در روند شکل‌گیری شخصیت کوش پیل دندان مورد بحث قرار می‌گیرد؛ و در قسمت سوم، بر اساس مفهوم «شخصیت آماج‌گونه» - که اصطلاحی رایج در پژوهش‌های مربوط به ادبیات عامیانه در چین است - به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

پرسش‌ها، فرضیه و روش پژوهش

در این منظومه، قصه کوش پیل دندان «داستانی از شاه چین» نیز خوانده شده است:

زمانه چو کارم دلارای کرد دلم داستانی دگر رأی کرد
یکی مهتری داشتم من به شهر که از دانش و مردمی داشت بهر [...]
مرا گفت اگر رأی داری بر این یکی داستان دارم از شاه چین
(ابن ابی‌الخیر: ۱۵۲)

که باعث علاقه بسیار و ایجاد پرسش‌هایی ازین دست برای خوانندگان چینی از جمله این نگارنده می‌شود: چرا به شخصیت اصلی کوش‌نامه یعنی کوش پیل دندان «شاه چین» گفته شده است؟ و داستان‌های او چگونه به یک حماسه ملی ایران تبدیل شده است؟

بر اساس تدقیق و غور در این منظومه، فرضیه این پژوهش آن است که محتوای برخی از منابع مکتوب همراه با چندین پاره از خاطرات تاریخی ایرانیان مرتبط با چندین شخصیت در این منظومه ادغام شده است. این جستار بر آن است که با بهره‌گیری از مفهوم «شخصیت آماج‌گونه» که توسط دانشمندی چینی مطرح شده است و نیز نیم‌نگاهی به

نظریه‌های حافظهٔ جمعی موریس هالباواکس^۱ و حافظهٔ فرهنگی یان اسمان^۲، به پرسش‌های این پژوهش پاسخ دهد.

اصطلاح کلیدی پژوهش

«شخصیت آماج‌گونه» که برای خوانندگان ایرانی ممکن است ناآشنا باشد، به‌عنوان اصطلاحی در پژوهش ادبیات عامیانه، توسط هوشی^۳ در مقاله‌ای که در سال ۱۹۲۵ میلادی منتشر شد، برای نخستین‌بار مطرح گردید. وی افراد خوش‌اقبال توصیف‌شده در برخی از افسانه‌ها و داستان‌های باستانی را که ویژگی‌ها و حکایات مربوط به دیگر شخصیت‌ها بدان‌ها نسبت داده می‌شود «شخصیت آماج‌گونه»^۴ نامیده است. (Hu Shi: 472). به گفتهٔ وی، «آن‌ها درست مانند یک «آماج تیر» هستند که در اصل فقط دسته‌ای کاه و علف خشک است که تیرهای زیادی به آن زده شده است، اما نه تنها مجروح نمی‌شود، بلکه بدون هیچ کوششی موفقیت و نام بزرگی نیز به دست می‌آورد» (همان). وی این مسئله را به‌وسیله باؤ جِنگ^۵ به‌عنوان یک مثال توضیح داده است: «از زمان‌های قدیم، داستان‌های اعجاب‌انگیز، پر جزئیات و جالب زیادی در مورد کارآگاهان و ماجراهای دادرسی آن‌ها^۶ وجود داشت که یا در آثار تاریخی ثبت شده و یا در میان مردم رایج بودند، اما مردم معمولاً منشأ آن‌ها را نمی‌دانند؛ بدین جهت همهٔ این داستان‌ها به‌راحتی به یک دو شخصیت نسبت داده می‌شوند. از این دیوان‌سالاران درستکارِ کارآگاه‌گونه، باؤ جِنگ از سلسلهٔ سونگ به نحوی به‌عنوان یک آماج تیر انتخاب شده است و مواردی عجیب‌وغریب در داستان‌های عامیانه به او نسبت داده شده است. باؤ جِنگ بدین ترتیب به شرلوک هولمز^۷ چین تبدیل گردیده است» (همان).

1. Maurice Halbwachs

2. Jan Assmann

3. Hu Shi, 胡适 (1891-1962)

4. 箭垛式的人物

۵. Bao Zheng، یکی از دیوان‌سالاران سلسلهٔ سونگ (Song)، ۹۶۰-۱۲۷۹ میلادی) که در بررسی و کشف جرائم، دارای تبحر و شهرت بسیار بود.

۶. در چین قدیم، کشف جرم و نیز دادرسی و تعیین نوع مجازات، همه تحت نظر یک نفر بود.

7. Sherlock Holmes

تعدادی از پادشاهان و قهرمانان باستان توصیف شده در اساطیر و افسانه‌های هر دو کشور ایران و چین را می‌توان از این گونه قلمداد کرد. چنانکه درباره کوش پیل‌دندان نیز خواهیم گفت، اعمال و ویژگی‌های شخصیت‌های مختلف دوران باستان در وی متمرکز و به او نسبت داده شده است. بدین جهت، در جستار حاضر، مفهوم «شخصیت آماج‌گونه» در توصیف وی به کار رفته است.

پیشینه پژوهش

برخلاف وجود تحقیقات درازدامن و طولانی‌مدت محافل علمی و دانشگاهی بین‌المللی در مورد شاهنامه، علی‌رغم اینکه تاریخ پژوهش‌های مربوط به کوش‌نامه در اروپا را می‌توان به اواسط قرن نوزدهم میلادی برگرداند، به علت اینکه در پایان قرن بیستم میلادی بود که نسخه تصحیح‌شده این منظومه به کوشش جلال‌متینی بر اساس نسخه خطی آن در ایران منتشر شد، تنها در دو دهه اخیر، دانشمندانی از کشورهایی مختلف به کوش‌نامه علاقه مند شده و به تحقیق و پژوهش درباره این منظومه پرداخته‌اند. در مورد پیش‌نمونه کوش پیل‌دندان، ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه سرایی در ایران (چاپ اول در سال ۱۳۳۳) داستان کوش پیل‌دندان را نیز همانند افسانه ضحاک، سرچشمه گرفته از خاطرات تاریخی ایرانیان مربوط به مهاجمان سامی در دوران باستان دانسته است (۱۳۷۴-آ: ۳۰۰). جلال‌متینی، مصحح کوش‌نامه، در مقاله‌ای بر آن رفته است که پیش‌نمونه کوش پیل‌دندان ممکن است از پادشاهان امپراتوری کوشانی باشد (۱۳۷۸: ۶۵۳). نگارنده این مقاله در پایان‌نامه دکتری و نیز پژوهش تازه‌انتشار یافته خود نشان داده است که شخصیت حماسی کوش پیل‌دندان دارای چندین پیش‌نمونه است: ۱- پادشاهان سامی باستان؛ ۲- پادشاهان کوش که در شمال آفریقا حکومت داشتند؛ و ۳- پادشاهان امپراتوری کوشانی که از همسایگان سرزمین‌های شرق ایران بود (Liu, 2015, 2021: 177-191). علی‌اصغر بشیری نیز در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط منظومه کوش‌نامه با پادشاهان کوش در هزاره قبل از میلاد در آفریقا»، اصطلاح کوش در متون دوره اسلامی را بررسی کرده و درباره انطباق مطالب کوش‌نامه با

رویدادهای امپراتوری کوشی در آفریقای کهن، به طور مفصل به بحث پرداخته است (بشیری، ۱۳۹۸).

۱. بحث دربارهٔ پیش‌نمونه^۱ شخصیت اصلی کوش‌نامه

۱-۱. زمینه تاریخی شکل‌گیری کوش‌نامه

پس از ورود اسلام به مناطق آسیای غربی و شمال آفریقا، موجی از گردآوری و تدوین آثار تاریخی در میان دانشمندان عرب و ایرانی به راه افتاد و رویدادهای مهم تاریخی مربوط به اقوام مختلف باستانی بازنویسی و مکتوب گردید؛ اما در آن زمان، شناخت و خاطرات مردم از تاریخ باستان مبهم بود. در فرآیند بازگویی تاریخ^۲ توسط ادیبان مسلمان، حجم زیادی از مطالب شفاهی مکتوب می‌گردید و متون چندزبانه همچنان مطالبی را از یکدیگر به امانت می‌گرفتند و سپس از تلاقی افسانه‌های سامیان و ایرانیان باستان پی‌درپی آثاری به وجود می‌آمد. از آنجاکه ادبیات فارسی پس از رواج زبان عربی - به‌عنوان زبان نوشتاری در سرزمین ایران برای مدتی نزدیک به دو قرن - بود که رونق گرفت، آثار تاریخی فارسی مانند *تاریخ بلعمی*، *مجم‌التواریخ* و *القصص* و غیره تا حد زیادی تحت تأثیر آثار اولیه تاریخی و جغرافیایی تألیف‌شده به زبان عربی مانند *تاریخ طبری* و *مروج الذهب* بودند. آثار اولیه تاریخی فارسی بدین ترتیب گرایش آشکارتری به ادغام کردن اسناد و مدارک تاریخی اسلامی با سنت‌های شفاهی و نوشتاری کهن ایرانی نشان می‌دهند. از سوی دیگر، این آثار از نظر منابع نیز حوزه‌های تلاقی^۳ چشمگیری با حماسه‌های ملی ایران دارند. کوش‌نامه نیز که حاوی اطلاعات غنی تاریخی و جغرافیایی است از محصولات بازگویی تاریخ و سنت‌های فرهنگی ایرانیان است.

۱-۲. خلاصه داستان کوش پیل‌دندان

روایت این حماسه از کشته‌شدن جمشید و تبعیدشدن جمشیدیان و آوارگی آنها در چین آغاز می‌شود. برپایه مکان رویدادها، می‌توان داستان کوش پیل‌دندان را به دو بخش تقسیم

1. Prototype
2. Retelling History
3. Intersection

کرد. در روایت نخستین بخش، یعنی داستان‌هایی که در مناطق همسایه شرقی ایران و سرزمین‌های شرقی‌تر اتفاق می‌افتد، کوش برادر ضحاک و کوش پیل‌دندان پسر کوش، در پی لشکرکشی برای تعقیب جمشیدیان به فرمان ضحاک، چین و ماچین را تسخیر می‌کنند. پس از آن، کوش پیل‌دندان به سیلا، جزیره بزرگی واقع در دریای شرق ماچین و پناهگاه جمشیدیان، حمله می‌برد. سپس آبتین، پدر فریدون، با جمشیدیان از طریق مسیر دریایی به صورت پنهانی به ایران بازمی‌گردد. زمانی که فریدون بزرگ می‌شود، ضحاک را شکست داده و شاهنشاه جهان می‌شود. کوش پیل‌دندان، شاه چین و ماچین، در نواحی ماوراءالنهر و مکران جهانگشایی کرده و شهر کوشان را در جزیره‌ای کنار مکران می‌سازد. فریدون سه بار برای رام کردن کوش پیل‌دندان لشکر می‌فرستد و سرانجام او را به بند می‌کشد. در روایت بخش دوم، یعنی داستان‌هایی که در مناطق جهان غربی اتفاق می‌افتد، فریدون برای سرکوب کردن شورش و تاراج نوبی‌ها علیه ایران، کوش پیل‌دندان را رها کرده و او را سپهدار خود می‌سازد. پس از شکست نوبی‌ها، کوش پیل‌دندان از انقیاد فرمان فریدون گردن می‌کشد و خود را شاه می‌خواند. وی در ادامه در نواحی مغرب تا کوه طارق و اندلس یعنی انتهای جهان در سمت غرب مدام جهانگشایی می‌کند.

در این منظومه کوش پیل‌دندان شخصیتی است زشت‌روی، زشت‌کردار، زورمند، حيله‌گر، خودکامه، ستم‌کیش، تندخو، زودخشم، خونریز و گریزان از کتاب و هرآنچه فرهنگ و مردمی است که به فرمان خشم بی‌هیچ خردورزی و درنگی خون می‌ریزد و پیوسته دست تصرف در خواسته و ناموس و آیین مردمان دارد. به سخن دیگر چهره تصویر شده از کوش پیل‌دندان تصویری است اهریمن‌روی، اهریمن‌خوی و اهریمن‌کردار. با خواندن این داستان‌ها می‌توان دریافت که این منظومه با شکل دادن به تصویر قهرمان داستان، یعنی کوش پیل‌دندان، حافظه جمعی چندگانه ایرانیان از سالاران نظامی بیگانه و دشمنان خود در دوران گذشته را در هم ادغام کرده است. بر این اساس، با تجزیه و تحلیل نسب و اعضای خانواده و کردار و سلوک کوش پیل‌دندان آن گونه که در کوش‌نامه توصیف شده و همچنین مناطقی که او بدان‌ها سفر می‌کند، می‌توان سرنخ‌هایی از

نمونه‌های اولیه قهرمان این منظومه را در حوزه گسترده‌ای از اسناد و آثار کلاسیک به دست آورد.

۱-۳. پادشاهان کوشی‌ها و قلمرو پادشاهی کوش

در مورد پیش‌نمونه‌های پدر و پسر (کوش و کوش پیل‌دندان) اگر این زمینه حماسی را که آن‌ها از ضحاکیان هستند کنار بگذاریم، ابتدا باید به هویت سالاران کوشی‌ها و پادشاهان قلمرو پادشاهی کوش توجه کرد. طبق روایت کوش‌نامه، کوش پیل‌دندان در نواحی مغرب با سیاهان بجه و نوبی جنگیده است (ابن ابی‌الخیر: ۵۷۲-۵۷۹)، در حالی که مصریان باستان منطقه نوبه را «کوش» می‌خواندند. بر اساس سنت متنی سامیان باستان، کوش بن‌حام، جد کوشی‌ها بود. در متون مسیحی^۱، کوش به‌عنوان یک اصطلاح قومی، عموماً به جمعیت همسایه مصر اشاره می‌کند که در منطقه مجاور مرز جنوب غربی سرزمین مصر - دقیقاً همان منطقه‌ای که مصریان آن را K'sh^۲ می‌نامیدند - زندگی می‌کردند (Cohen: 521).

تحقیقات معاصر نشان می‌دهد که منابع مکتوب با استفاده از عنوان «کوش»، به «نوبه» در اوایل دوره پادشاهی میانه مصر باستان اشاره می‌کرده‌اند؛ و گزارش‌هایی نیز از درگیری‌های خصمانه میان دو طرف مکرراً در اسناد مصر باستان دیده می‌شود. در طول سلسله هجدهم، مصر باستان قلمرو پادشاهی کوش به پایتختی کرما^۳ را فتح کرد،^۴ اما حضور مصریان در آنجا با زور حفظ می‌شد؛ در حالی که حتی پس از لشکرکشی‌های بی‌پایان برای مطیع‌سازی، یک هویت کوشی متمایز^۵ پابرجا ماند (Lobban: 235-236). پس از قرن یازدهم قبل از میلاد، قلمرو کوش دوباره از مصر مستقل شد و به تدریج

1. Bible

۲. به بابلی kūshu، به آشوری kūsu، به فارسی باستان kūsha

3. Kerma

۴. لشکرکشی توت‌موس اول (Thutmose I) به نوبه (Nubia) به احتمال زیاد ناقوس مرگ واقعی برای پادشاهی کوش و پایتخت آن در کرما بود (Bryan: 223). در آن زمان [اوایل سلسله هجدهم]، مصر با پادشاهی کوش مهیب در جنوب دست و پنجه نرم می‌کرد که در نهایت تحت فرمان توت‌موس سوم (Thutmose III) آن را نابود کرد (Bietak: 75; Redford: 36-37; Davies: 51-52).

5. a distinct Kushitic identity

به صورت پادشاهی کوش با پایتخت آن در ناپاتا^۱ متحد شد. در اواسط قرن هشتم قبل از میلاد، کوشی‌ها وارد مصر شده و سلسله بیست و پنجم (۷۴۷-۶۶۴ قبل از میلاد) را تأسیس کرده تا اینکه به دلیل تهاجم آشوری‌ها از مصر خارج شدند (Taylor: 324-363). این سلسله کوشی بر تمام مصر سفلی و علیا و همچنین ناحیه کوش سلطنت می‌کرد (Lobban: 237). در متون خط میخی بین‌النهرین، نام کوش برای نخستین بار در «نامه‌های آمارنا»^۲ مربوط به قرن چهاردهم قبل از میلاد آمده است (Moran: 212). از قرن هشتم تا هفتم پیش از میلاد، درگیری‌های نظامی مداوم بین امپراتوری آشوری نو و سلسله بیست و پنجم مصر - که توسط کوشی‌ها تأسیس شده بود - وجود داشت و به همین سبب نام کوش بارها در کتیبه‌های آشوری ذکر شده است؛ و پس از آن در کتیبه داریوش اول در مقبره هخامنشی معروف به نقش رستم در نزدیکی تخت جمشید^۳ نیز دیده می‌شود (Röllig: 347). در آغاز قرن ششم پیش از میلاد، پایتخت کوش به مروئه^۴ در سمت جنوب منتقل شد. در اوایل دوره هخامنشی، کمبوجیه مصر را فتح کرد و آن را استان مرزی جنوب غربی امپراتوری خود قرار داد که قلمرو پادشاهی کوش در زمان پایتخت بودن مروئه همسایه جنوبی آن بود. کمبوجیه در پی آن بود که پادشاهی مروئه^۵ را تسخیر کند تا تهدید کوشی‌ها را از بین برده و مرز جنوبی امپراتوری را حداقل در اولین آبخار تثبیت کند. هرچند که او نتوانست به موفقیت تمام دست یابد، اردوگاهی قلعه‌گونه را در «جزیره پیل»^۶ واقع در رودخانه نیل، کنار اولین آبخار در مرز مصر و نوبه، برپا کرد (Briant: 54-55). درباره آنکه مرزهای امپراتوری هخامنشی به سمت جنوب تا قلمرو پادشاهی کوش می‌رسید، اسنادی در کتیبه‌های این سلسله نیز وجود دارد. لوح‌های طلائی و نقره‌ای داریوش اول^۷ مرزهای امپراتوری را چنین توصیف می‌کند: «از [سرزمین] سکاها^۸ و رای سغد تا کوش^۱، از هند تا

-
1. Napata
 2. Amarna-Korrespondenz
 3. Persepolis
 4. Meroë
 5. the kingdom of Meroë
 6. Elephantine
 7. code: Darius Persepolis H
 8. Scythians

ساردیس^۲» (Sharp: 76)، یعنی مرز جنوب غربی قلمرو امپراتوری داریوش یکسر به منطقه کوش می‌رسید. کوشی‌ها در نقش برجسته‌های کنار ورودی کاخ آپادانا نیز - که صحنه بار یافتن و تقدیم باژ و هدایا توسط فرستادگان ملل مختلف را نشان می‌دهد، - دیده می‌شوند. «در حال حاضر، اتیوپیایی‌ها^۳ به‌طور کلی به‌عنوان کوش^۴ شناخته می‌شوند. به گفته هردوت، آن‌ها از خراج‌گذاران نبودند، ولی همان‌گونه که در نقش برجسته آپادانای تخت جمشید نشان داده شده است هر دو سال یک‌بار هدایایی از جمله پسران، طلا، آبنوس و عاج فیل (همراه با حیوانی زرافه مانند) می‌آوردند» (Cook: 263).

بنابر آنچه یاد رفت، نگارنده در رسالهٔ دکتری خود (۲۰۱۵a) پیشنهاد کرده است که با توجه به اینکه در دورهٔ هخامنشی ارتباطاتی نزدیک و درگیری‌هایی نظامی میان ایرانیان و کوشی‌ها وجود داشت، پدید آمدن سرداری بیگانه به نام کوش و داستان‌هایی مانند نبردهای ایرانیان با نوییان در حماسه‌های ملی ایران را می‌توان باز نمود بخش‌هایی از حافظهٔ جمعی ایرانیان در سنت حماسه‌سرایی آن‌ها دانست. از این رو، صحنه‌هایی دراماتیک از این دست در کوش‌نامه دیده می‌شود: کوش پیل‌دندان که در چین به دنیا آمده است، به‌عنوان یکی از سپهبدان فریدون در جریان نبرد با نوییان یعنی کوشی‌ها وارد کارزار شده و در عصر کی‌کاوس با استفاده از نیروهای ایرانی، سپاهیان اهریمنی مازندران - یعنی نوییان و یا کوشی‌ها - را شکست داده و بدین ترتیب سلطه و پادشاهی خود را بر نواحی مغرب‌بزرگ از جمله سرزمین کوشی‌ها برقرار می‌کند. علی‌اصغر بشیری نیز در این باره این‌گونه گمانه‌زنی کرده است: اینکه عنوان حکومتی کوشیان کوش بوده است و آنان شاهان خود

۱. Kušā، نویسه‌گردانی از این کلمه در خط میخی است که ترجمهٔ انگلیسی آن در کتاب شارپ (Ralph Norman Sharp) «Ethiopia» است. بر اساس «واژه‌نامهٔ پیوستهٔ همان کتاب: «Kušā = Ethiopia»، یکی از استان‌های امپراتوری هخامنشی» (Sharp: 148). اتیوپی (Ethiopia) به عنوان نام خاصی از ناحیه‌ای در زمان قدیم، با جمهوری اتیوپی امروزی متفاوت است. اتیوپی قدیم به قلمرو کوشی‌ها (پادشاهی کوش) اشاره می‌کند که عمدتاً در سرزمین سودان امروزی است و در قدیم به آن نوبه (Nubia) می‌گفتند. این اصطلاح در تاریخ ایران کمبریج (The Cambridge History of Iran) به صورت «Kush (the Aethiopiens)» آمده است (Cook: 254).

2. Sardis
3. Aethiopiens
4. Kush

را کوش می‌نامیده‌اند، نخستین و مهم‌ترین قرینه انطباق منظومه کوش‌نامه با پادشاهی سرزمین کوشی‌هاست (بشیری، ۱۳۹۸). او همچنین استنباط کرده است که وجود شخصیت‌هایی به نام کوش در این منظومه (مانند کوش برادر ضحاک، کوش پیل‌دندان پسر کوش و کوش نوۀ کوش پیل‌دندان) احتمالاً بازنمودی از امپراطوران منطقه نوبی و یا جنوب مصر است که عنوان آن‌ها «کوش» بوده است و شاید عمر ۱۵۰۰ ساله کوش پیل‌دندان هم به‌نوعی ناظر بر این باشد که شاهان این امپراتوری چندین سده حکومت کرده‌اند (همان). نگارنده نیز در این باره با این پژوهش‌گر هم‌داستان است.

۱-۴. پادشاهان سامی افسانه‌ای در بین‌النهرین باستان با نمایندگی نمرود

کنت دوگوبینو^۱، کلکسیونر و مالک نسخه خطی منفرد کوش‌نامه و نیز از نخستین پژوهشگران این منظومه، در کتاب خود، تاریخ ایرانیان^۲ «کوش را از سلاطین غربی ایران و مثلاً از سلسله ماد شمرده و یا او و داستان‌ش را مخلوطی از سلاطین و سلطنت پادشاهان ماد و آشور دانسته است» (صفا، ۱۳۷۴-ب: ۳۰۰). صفا حدس گوبینو را تا حدی اصلاح کرده است. وی بر آن است که ایرانیان از داستان اژی‌دهاک/اوستا استفاده کرده و ضحاک را نمونه مهاجمان سامی نژادی که پیش از استقلال ایرانیان به ایران می‌تاختند قرار داده‌اند. کوش پیل‌دندان و دیگر کسانی که به خاندان ضحاک باز بسته‌اند و همه مردمی که اهریمنی و خصم ایران شمرده شده‌اند نیز نمونه‌های دیگری از مهاجمان سامی نژاد تازی و کلدانی و آشوری به ایران‌اند؛ در نتیجه نمی‌توان قهرمان کوش‌نامه را بر یکی از افراد آریایی نژاد مادی تطبیق کرد (همان: ۳۰۰-۳۰۱). داستان‌های مربوطه و شجره کوش پیل‌دندان نیز آن‌گونه که در این منظومه توصیف شده است، مؤید استدلال صفا است. بنا بر محتوای کوش‌نامه، کوش برادر ضحاک، کوش پیل‌دندان پسر کوش و کنعان پسر کوش پیل‌دندان است. کنعان نیز دو پسر دارد به نام‌های کوش و نمرود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، شجره خانوادگی کوش با حسب و نسب فرزندان حام در روایات سامی باستان تا حدودی مطابقت دارد.

1. Joseph Arthur Gobineau

2. Histoire des Perses

تاریخ طبری، یا *تاریخ الرسل والملوک* تألیف محمدابن جریر طبری، از نخستین آثار تاریخی مسلمانان دربارهٔ کلّ جهان باستان شناخته شده تا بدان روزگار است. این کتاب با حجمی عظیم و محتوایی غنی، تواریخ تمدن بشری را از آغاز آفرینش تا دورهٔ زندگانی مؤلف گردآوری و ثبت کرده است؛ چنانکه سیرت انبیا و ملوک سامی باستان و سیرت پادشاهان باستانی و افسانه‌ای ایرانی در کنار هم روایت شده و با یکدیگر در آمیخته‌اند؛ زیرا طبری در طبرستان به دنیا آمده است؛ سرزمینی که سنت‌های فرهنگی کهن ایرانیان در نخستین قرون دوران اسلامی در آنجا به خوبی حفظ شده بود. طبری به زبان فارسی و عربی مسلط بوده و با سنت‌های شفاهی و منابع مکتوب دربارهٔ ایران پیش از اسلام نیز به خوبی آشنایی داشته است. تعداد زیادی از افسانه‌های ایرانی در تاریخ طبری ثبت شده است و به احتمال زیاد این کتاب به طور مستقیم یا غیرمستقیم - مثلاً از طریق *تاریخ بلعمی* که ترجمهٔ مختصر تاریخ طبری همراه با تکمله‌هایی به فارسی است - بر حماسه‌سرایی در ایران تأثیر گذاشته است. از این رو می‌توان از *تاریخ طبری* برای بررسی روایات سامیان باستان که در شکل‌گیری داستان کوش پیل‌دندان نقش دارد، بهره برد.

تاریخ طبری به جزئیات سیرت کوش نپرداخته است، اما شرح نسبتاً مفصّلی از نمرود دارد که در فصل «نمرود بن کوش بن کنعان بن حام بن نوح» از دعوی خدایی توسط نمرود سخن رفته است (Tabarī: 106). نظر به این موضوع، به گزارش *کوش‌نامه*، کوش پیل‌دندان نیز بارها دعوی خدایی کرده است. به‌عنوان مثال، زمانی که او بر چین حکمرانی می‌کند:

چونادان ز غم‌ری و دانا ز بیم	پی‌ذرفت گفتار دیو رجیم،
به مغز اندرون باده‌ساری گرفت	سخن‌گفتن کردگاری گرفت
نیارست گفتن کس از زندگان	که تو بنده‌ای هستی از بندگان
خداوند دانش خروشان ز کوش	کرا یافت فرزانه و تیزهوش
پرسید از وی که من خود که‌ام؟	در این پهن‌گیتی ز بهر چه‌ام؟
تو، گفتی که، روزی دهی، خوردنیش	بدادی و چیزی ز گستردنیش
وگر مرد گفتی که هستی تو شاه،	به شمشیر هندیش کردی تباه

ز بازاری و موبد و رهنمای نیارست کس خواندش جز خدای
(ابن ابی‌الخیر: ۵۰۸، بیت ۶۸۱۱ تا ۶۸۱۸)

علاوه بر این، در بخش پایانی *کوش‌نامه*، مناظره‌ای میان پیرمردی خردمند و کوش پیل‌دندان دربارهٔ اینکه خدا کیست وجود دارد (ابن ابی‌الخیر: ۶۶۴-۶۶۸) که مشابه پرسش و پاسخ میان نمرود و ابراهیم است. بنابر روابط بینامتنی میان متون فوق، می‌توان استنباط کرد که افسانهٔ نمرود در آثار تاریخی دوران اسلامی، منبع مهمی برای برخی از مضامین «قصهٔ کوش پیل‌دندان» در یکی از حماسه‌های ملی ایران یعنی *کوش‌نامه* بوده است.

تاریخ طبری دارای فصلی اختصاصی و مفصل با عنوان «گفتار اندر بیور اسب، یعنی الازدهاق» است که ذکر می‌کند «اعراب او را الضحاک می‌خوانند» (Tabari: 1) و در جای دیگر هنگام سخن از «نوح و اولادش» حکومت نمرود با حکومت ضحاک تطبیق داده شده است (ibid: 4, 16). در این کتاب همچنین تشریح و تحلیل دقیقی از ارتباط بین این دو شخص افسانه‌ای در این کتاب انجام گرفته است. طبری با استناد به دیدگاه‌های پیشینان بر آن است که ضحاک، شاهنشاه تمام زمین، نمرود را به حکومت سواد^۱ و نواحی اطراف آن فرستاد و پادشاهی آن منطقه را به او و فرزندانش سپرد. نمرود پسر کنعان چهارصد سال از سوی ضحاک بر بابل سلطنت کرد. نمرود که هنگام سرنگونی حکومت ضحاک به دست فریدون کشته شد، از نوادگان نمرود بن کنعان، با چند نسل فاصله پس از او و همنام او بود (ibid: 109-111)؛ بنابراین، باینکه افسانهٔ نمرود موجود در آثار تاریخی مسلمانان را می‌توان سرچشمه‌ای برای داستان کوش پیل‌دندان در *کوش‌نامه* به شمار آورد، رابطهٔ پیچیده‌ای بین این دو شخصیت وجود دارد. کوش پیل‌دندان در *کوش‌نامه* همچون نمرود پادشاهی ستمکار است که خود را خدای می‌خواند. مضامین مربوط به فریدون که سلطنت ضحاک را سرنگون می‌کند و کوش پیل‌دندان را شکست می‌دهد نیز تقریباً بازتاب گزارشی از تاریخ طبری دربارهٔ نمرود دیگر است.

۱. نامی است که در اوایل دوران اسلامی برای عراق (Iraq) استفاده می‌شد. ثابت شده است که نام عراق (Iraq) وام‌واژه‌ای از Erag در زبان پهلوی به معنی «زمین پست، سرزمین جنوبی» است که در دست‌نوشته‌های کشف‌شده در تورفان (the Turfan fragments) آمده است (Schaeder: 87؛ دهخدا: ۱۳۸۱).

مجمّل التواریخ و القصص نیز که تنها حدود بیست سال دیرتر از کوش‌نامه تألیف شده است، حاوی اطلاعات بیشتری از تاریخ طبری درباره کوش پیل‌دندان است. مؤلف ناشناس آن ذیل عنوان «نوح النبی علیه‌السلام» می‌نویسد: «بیرون از تاریخ جریر خوانده‌ام [...] بعد از نوح در تاریخ چنان است که هزار سال ضحاک بود و جمشید هم از نبیرگان سام و از پس ضحاک افریدون. پس گویند مُلک از ایشان برفت و به کوش افتاد پدر کنعان، از فرزندان حام بن نوح؛ و از پس [او] نمرود بن کنعان بود تا منوچهر برخاست؛ و توان بودن که در مغرب و شام و آن حدود چنین بودست و این موافقت با سلطنت و عصیان کوش پیل‌دندان در مغرب» (مجمّل التواریخ: ۱۸۶-۱۸۷). در این روایت، از کوش حتی هم‌راستای بزرگ‌ترین شاهنشاهان اساطیری مانند جمشید، ضحاک و فریدون یاد رفته است. مؤلف مجمّل التواریخ و القصص رویداد پادشاهی نمرود بر شام و مغرب را با عصیان کوش پیل‌دندان بر فریدون و برقراری پادشاهی مستقل خود در مغرب تطبیق می‌دهد و تلویحاً اشاره می‌کند که مضامینی مهم در داستان کوش پیل‌دندان از افسانه نمرود سرچشمه گرفته است. وی همچنین ذیل عنوان «ابراهیم النبی علیه‌السلام» می‌نویسد: «نمرود بن کنعان بن کوش با پدر ابراهیم از زمین بابل بودند و در نسب نمرود^۱ بسیار گونه روایت‌هاست اما این درست‌تری که گفته شد و موافق است با ذکر آنچه در میانه کتاب یاد کرده‌ایم در اخبار کوش پیل‌دندان؛ و از ملکان بت‌پرست ستمکاره‌تر و سخت‌تر اندر تعبّد صنم از نمرود کس نبودست» (همان: ۱۸۹). در روایت کوش‌نامه نیز همچون مجمّل التواریخ کوش پیل‌دندان پادشاهی ستم‌کیش و خودکامه است که بارها بت‌پرستی را در سرزمین‌های مختلف تحت تصرف خود با زور و خشونت رواج می‌بخشد.

با بررسی دقیق مضامین توصیف‌شده در کوش‌نامه آشکار می‌شود که کردارهای کوش پیل‌دندان، شخصیت اصلی این حماسه ملی ایران و کردارهای نمرود - آن‌گونه که در تاریخ طبری از آثار اولیه تاریخی مسلمانان روایت شده است - به‌طور ناگسستگی با

۱. در متن اصلی تصحیح ملک الشعراء بهار، «ثمود» است. نگارنده حدس می‌زند که بنا بر بافت و منطق معنایی متن، این واژه «نمرود» باشد.

یکدیگر مرتبط‌اند. این نکته در *مجمّل التواریخ و القصاص* نیز که اندکی دیرتر از *کوش‌نامه* تألیف یافته به تصریح یاد شده است.

۱-۵. پادشاهان امپراتوری کوشانی

واژه «کوشان» در زبان فارسی هم به امپراتوری کوشانی^۱ تأسیس شده توسط نژاد یوه چی^۲ در آسیای مرکزی اشاره دارد (دهخدا: ذیل کوشان) و هم عنوانی برای اشاره به شاه یا ملکه پادشاهی کوش تلقی شده است (همان، به نقل از قاموس کتاب مقدس). بر اساس قواعد واژه‌سازی زبان فارسی، این واژه هم به گروهی از مردم متعلق به سرزمین «کوش» می‌تواند اشاره داشته باشد و هم به مناطق مسکن‌گرفته توسط آن‌ها. در متون فارسی مکان‌های متعددی به نام «کوشان» وجود دارند که در سرزمین وسیعی از شمال آفریقا و بین‌النهرین تا آسیای مرکزی پراکنده‌اند. جلال‌متینی بر آن است که پیش‌نمونه^۳ کوش پیل‌دندان ممکن است یکی از پادشاهان کوشانیان باشد؛ به سخن دیگر، در این منظومه پادشاهی از امپراتوری کوشانی به صورت فرمانروایی ستمکاره تحت عنوان برادرزاده ضحاک ماردوش، پادشاه ظالم تازی، در آمده است (متینی، ۱۳۷۸: ۶۵۳). بر اساس روایت *کوش‌نامه*، کوش پیل‌دندان در زمان پادشاهی خود بر چین، از ماوراءالنهر به مکران لشکرکشی می‌کند و بر پایه نام خود شهر «کوشان» را در جزیره‌ای میان دریای خاور می‌سازد و بت‌پرستی را با التزام پرستش مجسمه خود در آنجا رواج می‌دهد:

رخامین یکی سنگ برپای کرد	سر پیکر خویش را جای کرد
کف دست او باز کرده ز هم	بر او بر نبشته یکی بیش و کم
که این چهره کوش گردنکش است	که هنگام پیکار چون آتش است [...]
بر آن جا نوشت آنچه خود کرده بود	همان شهر کاو بر سر آورده بود
بپرداخت از او، مرد و زن سی هزار	کشاورز و بازاری و پیشه‌کار،
ز کشور بیاورد و در شهر کرد	به مایه ز هر چیزشان بهر کرد [...]

1. 貴霜帝國, Kushan Empire, 30-375/425 CE

۲. در متون تاریخی چینی: (Yuezhi) 月氏

3. prototype

نهادند کوشان بدان شهر نام
 که چینی همی خواندش فرونه^۱
 سر سال فرمودشان تا همه
 پرستش کنان پیش آن پیکرش
 برآورده کوش جوینده کام
 به انبوه شهری ز بار و بنه
 شود پیش آن پیل مردم رمه
 ستایش نمایند بر افسرش
 (ابن ابی‌الخیر: ۴۹۹-۵۰۰)

نکته مهم آن است که این روایت حماسی با تصویری که پژوهش‌های علوم تاریخی و باستان‌شناختی معاصر از امپراتوری کوشانی ترسیم می‌کند شباهت‌هایی دارد. در پروتق‌ترین عصر امپراتوری کوشانی یعنی حکومت کانیشکای اول^۲ (حدود نیمه اول قرن دوم میلادی) قدرت این امپراتوری از آسیای مرکزی به شبه‌قاره هند گسترش یافت و به حوضه رود گنگ رسید؛ و امپراتوری بزرگی پدید آمد که از آسیای مرکزی و آسیای جنوبی عبور می‌کرد و قلمرو آن سرزمینی از حوضه‌های سیردریا و آمودریا تا اغلب مناطق شمالی هند در غرب بنارس^۳ و ناحیه ساحلی مکران را پوشش می‌داد. این امپراتوری که گاهی با سلسله اشکانی در جنگ بود، سپس تهدیدی برای سلسله ساسانی شد که در زمان شاپور اول (حکومت ۲۴۰-۲۷۰ م) این تهدید از میان برخاست. پادشاهان کوشانی غالباً به دین بودایی اعتقاد داشتند. با پشتیبانی آن‌ها، آیین بودایی ماهایانا توسعه و گسترش یافت و هنر پیکره‌سازی گاندهارا^۴ با نمایندگی مجسمه بودا در این سلسله شکوفایی پیدا کرد. علاوه بر پروتق بودن هنر مجسمه‌سازی بودایی، تصاویر خدایان ادیان دیگری از شرق و غرب نیز در سکه‌های امپراتوری کوشانی دیده می‌شود (Cui: 425-428; Zhang, 2008: 42). بر این اساس تصور وجود ارتباط میان کوش پیل‌دندان و پادشاهان کوشانیان بی‌راه نیست. شاید با احتیاط بتوان استنباط کرد که نمود بخشی از حافظه جمعی ایرانیان درباره

۱. از آنجا که امپراتوری کوشانی (貴霜, Guishuang) که توسط قبایل یوه چی (月氏, Yuezhi) تأسیس شد در ابتدا از ناحیه فرغانه برخاست، نگارنده بر آن است که واژه «فرونه» ممکن است ریختی از «فرغانه» باشد که در روند انتقال شفاهی و استنساخ کوش‌نامه، به تدریج بدین شکل درآمده باشد.

2. Kanishka I
 3. Varanasi / Benares
 4. Gandhara

فرمانروایان امپراتوری کوشانی، موجب به وجود آمدن مضامینی حماسی مانند اشغال قلمرو پادشاهی مکران، ساختن شهر کوشان در جزیره‌ای (یا زمینی بین دو رود) و ترویج بت‌پرستی در آنجا توسط کوش پیل‌دندان شده باشد.

۱-۶. داستانی از شاه چین

بخش عمده‌ای از دوران اساطیری شاهنامه عمدتاً شامل این روایت است که جمشید، شاهنشاه جهان که دورانی درخشان را بر تمدن بشری گشود به دست ضحاک، سالار تازیان، کشته می‌شود؛ سپس ضحاک بر تخت می‌نشیند و بر جهان سلطنت می‌کند. سرانجام فریدون ضحاک را شکست می‌دهد و پادشاهی ایران را بازپس می‌گیرد. بر اساس روایت شاهنامه سالار بیگانه‌ای که تهاجم نظامی و حکومت ستم‌گشانه و دیرباز خود را بر ایران تحمیل می‌کند، ضحاک است؛ اما در کوش‌نامه، «شخصیت منفی اصلی» کوش پیل‌دندان، برادرزاده ضحاک است که دودمان شاهنشاهی ایران را تا انتهای جهان تعقیب می‌کند. به همین دلیل، عنوان دیگر کوش‌نامه «قصه کوش پیل‌دندان» است؛ همان‌گونه که در *مجملة التوارىخ و القصص* می‌بینیم. در حماسه کوش‌نامه قصه کوش پیل‌دندان «داستانی از شاه چین» نیز خوانده شده است (ابن ابی‌الخیر: ۱۵۲) و این بدان سبب است که بر اساس روایت این منظومه، باوجود اینکه کوش پیل‌دندان به‌عنوان فرمانروای شرق و غرب جهان، به اصطلاح شاه خاور و خسرو باختر، در مقابل ایرانیان که سرزمین میانین جهان را در اختیار دارند، مدام گردن می‌کشد، طولانی‌ترین و جذاب‌ترین داستان‌ها مربوط به دوران پادشاهی او بر چین و ماچین است؛ و لاجرم مهم‌ترین هویت او مطابق یادکرد این منظومه «شاه چین» است.

بر اساس کوش‌نامه، وقتی که کوش پیل‌دندان در مشرق‌زمین پادشاهی می‌کند، ممالک و مناطق تحت فرمان او عبارت‌اند از چین، ماچین، تبت، ماوراءالنهر، مکران و غیره. بدین ترتیب، این منظومه حاوی برخی اطلاعات جغرافیایی چین باستان و بازتاب‌هایی از

رویدادهای تاریخی مربوط به تبادلات بین چین و مناطق غربی آن است که تصویری با جزئیات فراوان را از چین نشان می‌دهد.^۱

بر اساس روایت *کوش‌نامه*، دشمنان خارجی ایرانیان در خاورزمین در حقیقت پادشاهان بومی چین نیستند، بلکه شاهان تازی‌نژاد یعنی کوش (پدر) و کوش پیل‌دندان (پسر) هستند که در تعقیب بازماندگان دودمان پادشاهی ایران، چین و ماچین را تسخیر می‌کنند. این نکته نیز از تفاوت‌های *کوش‌نامه* با دیگر حماسه‌های ملی ایران مانند *شاهنامه* است. با وجود اینکه کوش پیل‌دندان تازی‌نژاد است، این قهرمان بیگانه در منظومه *کوش‌نامه* بیشتر به عنوان «شاه چین» مشهور است و این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که «چین» از چنان جایگاه مهمی در جهان‌بینی ایرانیان باستان برخوردار بوده است که به عنوان کلیشه^۲ و یا نمادی برای توصیف و اشاره به «دیگری» به کار می‌رفته است.

۲. مکانیسم حافظه فرهنگی در یکپارچه‌سازی پیش‌نمونه‌های چندگانه کوش

پیل‌دندان

پژوهشگرانی مانند ذبیح‌الله صفا با در نظر گرفتن خویشاوندی نزدیک کوش پیل‌دندان با ضحاک در *کوش‌نامه*، بر آنند که پیش‌نمونه او از خاطرات ایرانیان باستان درباره مهاجمان سامی بین‌النهرین برآمده است. با این حال، اگر این تصویر حماسی از چشم‌انداز مطالعات دانشگاهی امروز مورد بررسی مجدد قرار گیرد، تعدد مبادی آن آشکار می‌شود. تلقی محافل دانشگاهی امروز از سرچشمه و منبع گزارش‌های مربوط به ضحاک در سنت نوشتاری ایرانیان آن است که آژیدهاک^۳ مربوط به سرزمین بابل که در *اوستا* توصیف شده است، به تدریج به «ضحاک فرمانروای تازیان» تبدیل شده است. در این انگاره پیش‌نمونه

۱. این ویژگی از دلایل اهمیت *کوش‌نامه* نزد پژوهشگران چینی و امکان ایفای نقش آنان در واکاوی این متن است. اطلاعات موجود در *کوش‌نامه* مربوط به چین و آسیای شرقی باستان از جمله شبه‌جزیره کره، در مقالات دیگری از این نگارنده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (liu: 2015a, 2017, 2018, 2019).

2. Stereotype

3. Azhīdahāka

اولیه «اژیدهاکئ» معمولاً پادشاهان سلسله‌های سامی باستان مانند امپراتوری آشور و یا سلسله کلدانی بابل دانسته می‌شود.

چنانکه گفته شد، درباره نام کوش پیل‌دندان نیز با نگاه به آثار تاریخی تألیف‌شده توسط مسلمانان در سده‌های میانه، می‌توان دید که نام کوش در شمار زادگان حام بن نوح یاد شده است. در کنار آنکه موضوع دعوی خدایی توسط قهرمان کوش‌نامه تأثیرپذیری از افسانه نمرود را نشان می‌دهد، اعمال کوش پیل‌دندان از جمله ساختن صندوق آب و فواره و دو مناره بلند در قلمرو پادشاهی خود در مناطق غربی به اصطلاح جابلق و افریقیه (ابن ابی‌الخیر: ۶۸۰-۶۸۶) نیز یادآور ساخته‌شدن باغ معلق در بین‌النهرین توسط پادشاهان آشوری و یا کلدانی^۱ و بناکردن برج بابل افسانه‌ای توسط نمرود است. با رجوع به و تطبیق با سیرت نمرود بن کوش بن کنعان بن حام که در افسانه‌ها و متون سامیان باستان توصیف شده است، نقش حماسی کوش پیل‌دندان در ابتدا به شکل پرنگی تصویری از ستم‌کاره‌ای سامی‌نژاد یافت. از دیدگاه ایرانیان عصر سروده‌شدن کوش‌نامه، کوش پیل‌دندان مجموعه‌ای از تصاویر سپهداران بیگانه است که از قبایلی متعلق به اولاد حام هستند و بر سرزمین‌هایی در هر دو سمت شرق و غرب ایران حکومت می‌کردند. از آغاز دوران معاصر تاکنون، با رمزگشایی و تفسیر مستمر متون مصر باستان و اسناد خط میخی بین‌النهرین، خطوط کلی^۲ تاریخ پادشاهی کوش و کوشی‌های باستان پیش چشم جهانیان نمایان شده است و بدین ترتیب روایات مرتبط با کوش در افسانه‌های سامی باستان تا حدودی شواهد و مدارکی را برای تأیید پیدا کرده است. بر این اساس و همراه با در نظر گرفتن مقوله حافظه جمعی ایرانیان درباره نوبی‌ها آن گونه که در سنت حماسه‌سرایی ایران دیده می‌شود، پس از تجزیه و تحلیل می‌توان پیش‌نمونه دیگری را برای کوش پیل‌دندان از سالاران و پادشاهان کوشی‌ها و پادشاهی کوش به دست آورد. علاوه بر آنچه گفته شد، از آنجا که رد پای کوش پیل‌دندان در سراسر جهان شناخته‌شده عصر باستان گسترده شده است، در روایت حماسی مربوط به جهانگشایی این قهرمان بیگانه در سرزمین‌های شرق

1. Dalley

2. Contour

ایران، بازتاب روایات مربوط به پادشاهان کوشانی نیز تا حدی قابل تشخیص است. به‌طور خلاصه، از طریق گردآوری و چینش افسانه‌های پیچیده در کنار یکدیگر، می‌توان گفت تکه‌های متعددی از حافظهٔ جمعی ایرانیان دربارهٔ درگیری‌های نظامی خود با چندین همسایهٔ خارجی در دوره‌های مختلف، در کوش پیل‌دندان، شخصیت اصلی کوش‌نامه متمرکز شده و به شکل داستان‌هایی جدید بسط یافته و روایت شده است.

در ابیات منظومهٔ کوش‌نامه شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد شکل‌گیری داستان‌های آن، تنها بازآفرینی ادبی و دفعی توسط یکی از ادباء با برجیدن چند قطعه از مدارک تاریخی نیست؛ بلکه روندی از ظهور داستان شفاهی و مکتوب‌شدن آن به شکل متن مشور تا ثابت شدن فرم آن به‌صورت یک منظومهٔ منسجم را طی کرده است. قصهٔ کوش پیل‌دندان در روند گسترش و فرایند تکامل خود، با افسانه‌هایی خارجی، به‌خصوص با افسانه‌های مربوط به فرزندان حام بن نوح - که از سنت ادبی سامیان باستان به‌تدریج در سده‌های اول دوران اسلامی توسط سنت فرهنگی ایرانیان جذب و تلفیق شد - در هم آمیخت. از نظر ترتیب زمانی نگارش متون مربوطه، گزارش‌های مکتوب دربارهٔ دودمان کوش - نمرود که با افسانه‌های ایرانی دربارهٔ ضحاک درآمیخته (آن‌گونه که در آثار تاریخی مسلمانان مانند تاریخ طبری، مروج الذهب و معادن الجواهر و تاریخ بلعمی بازتاب یافته است) در آغاز قرار دارد، روایت مفصل شاهنامه از انتقال پادشاهی از جمشید به ضحاک و سپس فریدون در مرتبهٔ میانین و روایت کوش‌نامه دربارهٔ کوش پیل‌دندان در مرتبهٔ آخر قرار دارد. پیوند و ارتباط موضوعی در میان متون مذکور تا حدی نشان‌دهندهٔ قابلیت توارث و تسلسل و همچنین قابلیت تغییر و تحول است. طبری در تدوین آثار تاریخی خود، بر مبنای روش متن‌پژوهی «الاسناد» در علم حدیث، تلاش کرد که در میان اسناد و مدارک تاریخی، روایات واقعی را به‌زعم خود از روایات غیرواقعی تشخیص و تمیز دهد و به برگزیدن و پالایش آن‌ها پردازد تا سیمای تاریخ را تا جای ممکن به شکل اصلی بازگرداند؛ اما دانشمندان در زمان‌های قدیم غالباً آگاهی درستی در جهت تمایز نهادن میان روایت ادبی و تألیف تاریخی نداشتند و اسناد و مدارک تاریخی پیشین طبیعتاً مبتنی بر بازگویی، نقل‌قول، گردآوری و نسخه‌برداری‌های مستمر و حاوی عناصر و

موضوعات فراوانی از «پردازش روایت جمعی» بود؛ بنابراین، با توجه به شرایط و محدودیت زمانه، آثار تاریخی و جغرافیایی کلاسیک مسلمانان مانند *تاریخ طبری* و *مروج الذهب* همچنان با تلفیق اسناد مکتوب و روایات شفاهی گردآوری و تألیف شده است. با وجود اینکه نخستین مجموعه آثار تاریخی فارسی یعنی *تاریخ بلعمی* را می‌توان به‌عنوان یک کتاب تاریخی رسمی در نظر گرفت، تدوین‌کننده آن علاوه بر آنکه گزینش و ترجمه نسبتاً آزادی از *تاریخ طبری* انجام داده است، گزارش‌های زیادی را نیز از دیگر منابع مکتوب ایرانی و علاوه بر آن حتی افسانه‌هایی بر آن افزوده است؛ بدین جهت خصلت‌های شفاهی و آفرینش جمعی در نگارش آن بسیار مشهود است. این‌گونه گزارش‌های تاریخی به نوبه خود تبدیل به بخشی از پیش‌متن حماسه‌های ملی ایران شد که در پی سنت‌های شفاهی و نوشتاری کهن ایرانی پدید آمد. در روند بسط و تبدیل «سیرت نمرود» آثار تاریخی به «قصه کوش پیل‌دندان» حماسه‌ای ایرانی، چهار ویژگی مهم ادبیات عامیانه یعنی قابلیت آفرینش جمعی، قابلیت انتقال شفاهی، قابلیت توارث و تسلسل و همچنین قابلیت تغییر و تحول وجود دارد. حال آنکه دلیل بیرونی تغییرپذیری ادبیات عامیانه، اختلاف محیط‌هایی است که داستان‌ها در آن گردش می‌کند و گسترش می‌یابد (Zhong: 28). در روند شکل‌گیری و گردش و گسترش قصه کوش پیل‌دندان در ایران، جهش و تغییر بزرگی روی داد و آن جمع و تلفیق کردار چندین سالار بیگانه در یک شخصیت بود. علت می‌تواند آن باشد که این داستان در حالی که به مدت طولانی و در مناطق وسیعی نقل می‌شد و گسترش می‌یافت، برای برخی از راویان و یا کاتبان دشوار بود که به‌طور مستمر اعمال چندین سالار بیگانه را از یکدیگر تشخیص دهند و به‌طور دقیق به‌خاطر بسپارند و یا در اسناد ثبت کنند. بدین ترتیب، کوش پیل‌دندان به تدریج به نماینده چندین پیش‌نمونه قهرمان و یا چندین شخصیت تاریخی با ویژگی‌های مشابه تبدیل شد. اهمیت سرایش *کوش‌نامه* بدیهی است که تنها در سطح ادبیات عامیانه نیست، بلکه مانند *شاهنامه* این منظومه نیز با سنت تاریخ‌نویسی مسلمانان پیوند نزدیکی داشته و نقشی برای انتقال و توارث حافظه فرهنگی ایرانیان ایفا کرده است. طبق گفته یان آسمان^۱، برای حافظه فرهنگی که بر نقاطی

1. Assmann, Jan

ثابت^۱ در گذشته تمرکز دارد، آنچه مهم است تاریخ واقعی نیست، بلکه تاریخ به یاد مانده است. همچنین می‌توان گفت که در حافظه فرهنگی، تاریخ مبتنی بر واقعیت به تاریخ موجود در خاطرات تبدیل شده و در نتیجه به اسطوره دگرگون می‌شود (Assmann: 52). این نیز چنانکه از آغاز دیده می‌شود، از خصایص سرشتین سنت ادبی «حفظ تاریخ از طریق شعر» در ایران است؛ همان‌گونه که در شاهنامه داستان و تاریخ درهم آمیخته است؛ و می‌دانیم که در سنت تفکر و بینش ایرانی، شاهنامه سرگذشت و تاریخ ایران تا حمله اعراب بوده است و تا قبل از قرن بیستم، ایرانیان هیچ‌وقت آن را افسانه ندانسته و تاریخ معرفی کرده‌اند (خالقی مطلق).

به گفته ذبیح‌الله صفا: «داستان کوش پیل‌دندان [...] جملگی خاطراتی است از یک مهاجم پهلوان سامی نژاد به ایران که گویا تا قسمت بزرگی از نواحی داخلی نچه‌های ایران پیش رانده و قبایلی از ایرانیان را به اطاعت درآورده بود؛ و بر این خاطره یاد قیام ایرانیان بر پادشاهان سامی نژاد و برافکندن سلطنت ایشان در ایران و منکوب کردن آنان نیز افزوده شده است. اندک‌اندک گرداگرد این خواطر را نیز مانند خاطرات تاریخی دیگر، داستان‌ها و حکایات روات و قصه‌پردازان فرو گرفت و آن را مانند دیگر روایات حماسی ایران به صورتی تازه درآورد و حتی جنبه ملی بدان بخشید» (۱۳۷۴-آ: ۳۰۰)؛ و به قول پیتر بورک، «قهرمانان گاهی در حافظه عامیانه با یکدیگر مخلوط و ادغام می‌شوند؛ فرآیندی شبیه به آنچه فروید^۲ در تحلیل رؤیاها «تراکم»^۳ نامیده است» (Burke, 2005: 115). به‌طور خلاصه، درباره کوش‌نامه نیز می‌توان گفت قطعاتی از حافظه جمعی ایرانیان درباره درگیری‌های نظامی مختلف پیرامون سرزمین خود، در کوش‌نامه ادغام شده و برای تسهیل شیوع داستان در میان مردم، تصاویر چندین سالار از دشمنان ایرانیان در کوش پیل‌دندان فشرده شده و تجسم یافته است.

1. Fixpunkte
2. Freud
3. Condensation

بحث و نتیجه‌گیری

قهرمان بیگانه آماج‌گونه و بازسازی هویت ملی ایران

یکی از یافته‌های فرعی پژوهش حاضر - چنانکه به تفصیل گفته شد - به دست دادن پیش‌نمونه‌هایی چندگانه برای کوش پیل‌دندان است: پادشاهان کوش در شمال آفریقا، پادشاهان سامی‌نژاد بین‌النهرین و پادشاهان امپراتوری کوشانی در شرق ایران. در منظومه کوش‌نامه با وجود آنکه کوش پیل‌دندان تازی‌نژاد است و به‌عنوان فرمانروای شرق و غرب جهان (شاه خاور و خسرو باختر) به خواست و دستور ضحاک به ستیز با ایرانیان می‌پردازد، این قهرمان بیگانه بیشتر به‌عنوان «شاه چین» یاد شده است! دلیل این امر آن است که طولانی‌ترین و گیراترین داستان‌های این منظومه مربوط به دوران پادشاهی کوش پیل‌دندان بر چین و ماچین است و لاجرم مهم‌ترین هویت او مطابق یادکرد این منظومه «شاه چین» است. این موضوع همچنین نشان می‌دهد که «چین» از چنان جایگاهی در جهان‌بینی ایرانیان باستان برخوردار بوده است که به‌عنوان کلیشه^۱ و یا نمادی برای توصیف و اشاره به «دیگری» به کار می‌رفته است.

در سنت ادبی حماسی که با اساطیر و افسانه‌ها میانه نزدیکی دارد، کم نیستند قهرمانانی مانند کوش پیل‌دندان که اعمال و ویژگی‌های شخصیت‌های متعددی در داستان آن‌ها ادغام شده باشد. «قهرمان‌پرستی در دوران باستان در حقیقت پرستش قدرت خود توسط قدما است، زیرا قهرمانان در اسطوره‌ها و افسانه‌ها همه شخصیت‌هایی آماج‌گونه هستند که از پردازش هنری قدما از قدرت جمعی خود به وجود آمده‌اند.» (Zhang and Fang: 174). «محل فعالیت اصلی شخصیت‌های اسطوره‌ای، دنیای انسانی است؛ و کارهای آن‌ها عمدتاً از بین بردن پدیده‌های شریر، تأمین امنیت برای مردم، اختراع فنون و ابتکار علوم است که در واقع اغراقی هنری درباره دستاوردها و ابتکارات اولیه انسان است.» (همان). طبق افسانه‌های سرچشمه گرفته از قدیم‌الایام در کشور چین، تنظیم تقویم، کاشت غلات، دوختن لباس و کلاه، ساختن قایق و ارابه، بنا کردن کاخ و خانه، ابتکار موسیقی و

1. Stereotype

کشف علوم پزشکی، همه توسط هوانگ دی^۱ و نزدیکانش انجام شده است. چینیان هوانگ دی را مخترع فنون تولیدی متعدد و دانش‌های متنوع می‌دانند و او بدین ترتیب نمونه‌ای از شخصیت‌های افسانه‌ای «آماج‌گونه» است. در اسطوره‌های ایران باستان نیز شخصیت‌های متعددی از این دست وجود دارند. چنانکه کیومرث، هوشنگ، طهمورث و جمشید در *شاهنامه* این گونه‌اند. این چهار پادشاه اولیه همه جزو «شخصیت‌هایی آماج‌گونه» به شمار می‌آیند که اعمال آن‌ها «از بین بردن پدیده‌های شریر، تأمین امنیت انسان‌ها، اختراع فنون و ابتکار علوم» بوده است. کوش پیل‌دندان نیز برخی از افسانه‌ها را که «مردم معمولاً منشأ آن‌ها را نمی‌دانند»، در داستان خود گردآورده و حتی به شخصیت مهمی برای داستان‌هایی مانند «حمله ضحاکیان به جمشیدیان»، «تقسیم جهان توسط فریدون بین سه فرزندش» و «لشکرکشی کیکاوس به مازندران» که پیش‌ازین در سنت ادبی ایران از جمله در *شاهنامه* وجود داشته، تبدیل شده است. از این رو، او نیز شخصیتی آماج‌گونه در سنت حماسه‌سرایی ایران است؛ اما کوش پیل‌دندان از قهرمانان ملی ایران نیست، بلکه چهره خصمانه آماج‌گونه‌ای در زد و خورد‌های نظامی بین ایرانیان و چندین گروه قومی اطراف آن‌ها است.

بر اساس روایت *کوش‌نامه*، او در طول عمر طولانی خود، به‌عنوان شاه چین، شاه چین و ماچین، شاه خاور، شاه مغرب، شاه اندلس، شاه باختر و ... بارها در مقابل ایرانیان گردن‌کشی کرده، مدام در اطراف ایران به جهانگشایی پرداخته و چندین بار در سرزمین‌های تحت حکومت خود برخلاف کیش و آیین ایرانیان مردم را به بت‌پرستی واداشته و آن را رواج داده است. در نتیجه، او به‌مثابه آماج تیری است که تیرهای رفتارهای ناپسند فراوانی به آن زده و در واقع در آن جمع و متمرکز شده است. بنابراین، تصویر کوش پیل‌دندان در سنت حماسی ملی ایران ارزشی منحصر به فرد و مهم دارد: با تجسم چهره‌ای سراسر شرّ در تقابل با پادشاهان و پهلوانان ایرانی که دارای منش و کردار و دانش و فرهنگی والا بودند، زمینه برانگیختن احساسات غرور جمعی و ملی ایرانیان را فراهم آورد و برای بازسازی هویت ملی ایران در دوران اسلامی به‌عنوان مرجعی جامع نقشی در خور توجه ایفا کرد.

۱. Huangdi، امپراتور زرد

در روند گسترش و سیطره سپاه مسلمانان بر آسیای غربی و شمال آفریقا در آغاز دوران اسلامی، اعراب بر پایه قدرت نظامی و به منظور یکسان‌سازی فرهنگی، در جهت ترویج زبان و فرهنگ عربی در میان ملل مغلوب برآمدند. به خصوص در دو دوره خلافت اموی و عباسی، مسلمانان در مجموع بیشتر شبیه به یک «گروه فراملی» یا یک «ملت بزرگ» بودند که هویت آن بر پایه اعتقاد مذهبی و ایدئولوژی سیاسی قرار داشت. در محتوای برخی از آثار تاریخی تألیف شده در قرون نهم و دهم میلادی مانند تاریخ طبری، مروج الذهب و تاریخ بلعمی، گرایش تلاقی و تلفیق نسب‌نامه رسل و ملوک سامی با نسب‌نامه نیاکان و پادشاهان ایرانی دیده می‌شود و این نشان می‌دهد که در اوان آفرینش حماسه‌های ملی ایران، هویت اجدادی و تاریخی بومی ایرانی توسط مفاهیم و افکار بیگانه به‌طور جدی در معرض فراموشی قرار گرفته بود. در این مقطع کلیدی، موبدان، شاعران، دانشمندان، هنرمندان، دیوانیان، دبیران و سایر حاملان مخصوص^۱ حافظه فرهنگی (Assmann: 54) نقش مهمی در حفظ و بازسازی سنت‌های فرهنگی ایران داشتند. سامانیان پس از آنکه به موقعیت سیاسی نسبتاً مستقلی دست یافتند، به وسیله حمایت بسیار از خلق آثار ادبی به زبان فارسی و احیای فرهنگ ایران باستان، با سعی و کوشش خود به تمیز ایرانیان از دیگر مسلمان پرداختند. بلعمی، فردوسی و دیگر ادیبان ایرانی، با تألیفات خود پیوندها و صفات ایرانیان را در جنبه‌های زبان، فرهنگ، سرزمین مسکونی، نسب و نژاد و غیره تقویت کرده و نقش مهمی برای بازتولید مفهوم «ایران» چندبعدی ایفا کردند. فردوسی روایات ملی را با زبان فارسی پیراسته و بهره‌گیری حداقلی از واژه‌های عربی در شاهنامه به سامان رساند و مکرراً از نام‌های خاصی از خدایان، دیوان و شاهان باستان موجود در سنت زرتشتی استفاده کرد. وی گذشته از بهره‌گیری از منابعی چون شاهنامه ابومنصوری، مطالبی مندرج در آثار تاریخی و داستان‌های شفاهی عامیانه را برگزید و در شاهنامه به کار بست: افسانه‌های کهن سامیان را که توسط سنت فرهنگی اسلامی به ایران آورده شده بود پیراست و با شکل دادن به چهره پادشاهان و پهلوانانی چون جمشید، فریدون و رستم، کردارهای برجسته نیاکان ایرانیان را در گسترش و آبادسازی سرزمین

ایران و دفاع از میهن خود ستود. بدین وسیله وی با تمرکز بر بازگویی «تاریخ ملی ایران» به بازسازی حافظه ملی ایرانیان تحقق بخشید و تأثیر چشم‌گیری در احیای تمدن کهن ایرانی و جهت‌گیری مسیر جدید فرهنگ ملی ایران در دوران اسلامی گذاشت؛ اما ابن ابی‌الخیر، سراینده کوشش‌نامه با انتخاب داستان‌هایی که فردوسی یا به آن‌ها اشراف نداشت یا آن‌ها را کنار گذاشته بود، به روایت خود پرداخت و بدین ترتیب برخی از داستان‌های شاهنامه را نیز تکمیل کرد. منظومه وی با توصیف و تصویر کش پیل‌دندان - شخصیتی دژآیین، زشت‌روی، زشت‌خوی و زشت‌کردار - به‌مثابه سالاری از دشمن که هویت چندین فرمانده نظامی بیگانه را در خود جمع و فشرده کرده است، داستان‌هایی را روایت می‌کند که کارهای برجسته پادشاهان و پهلوانان ایرانی را در مقابل کردار بد و اهریمنی شخصیت اصلی این حماسه قرار می‌دهد. از این رو کوشش‌نامه برای ایرانیان با شکل دادن به «دیگری» در پی شناخت «خود» برآمده و سپس با تقویت بیشتر هویت فرهنگی و خودشناسی درونی ایرانیانی که دارای زمینه فرهنگی مشابه با یکدیگر بودند، در نهایت در روند تاریخی حفظ هویت فرهنگی منحصربه‌فرد و بازتولید هویت ملی ایرانیان در دوران اسلامی نقشی مهم ایفا کرده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Liu Yingjun  <https://orcid.org/0000-0001-8836-1545>

منابع

- ابن ابی‌الخیر، ایرانشان. (۱۳۷۷). کوشش‌نامه. به تصحیح جلال متینی. تهران: انتشارات علمی.
- بشیری، علی‌اصغر. (۱۳۹۸). ارتباط منظومه کوشش‌نامه با پادشاهان کوش در هزاره قبل از میلاد در آفریقا. آینه میراث، ۱۷(۶۵)، ۱۸۱-۲۰۲.

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). شاهنامه برای ایرانیان، تاریخ است نه افسانه. مصاحبه با جلال خالقی مطلق توسط پوریا گل محمدی. رودکی، (۱۵)، ۱۷۹-۱۷۶.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ۱۶ جلد. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴-آ). حماسه‌سرایی در ایران از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری. تهران: فردوس.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴-ب). نظر به مأخذ شاهنامه و دیگر حماسه‌های ملی، نمیرم از این پس که من زنده‌ام، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی، ویراسته غلام‌رضا ستوده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۴۷-۵۵.

فردوسی، حکیم ابوالقاسم. (۱۳۶۹). شاهنامه. به تصحیح ژول مول. جلد اول. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

متینی، جلال. (۱۳۷۸). برخی از نیرنگ‌های کارزار در کوش نامه (به یاد استاد ذبیح‌الله صفا). *ایران‌شناسی*، ۱۱(۳)، ۶۴۹-۶۶۷.

ابن شادی [مجهول المؤلف]. (۱۳۱۸). *مجمل التواریخ و القصص*. به تصحیح ملک‌الشعراى بهار. تهران: چاپخانه خاور.

References

- Anonymous. (1939). *Mujmal al-tawārīkh wa-al-qīṣaṣ* [Collection of Histories and Stories]. edited by Malik al-Shu‘arā’ Bahār. Tehran: Khāvar Press. [In Persian]
- Assmann, Jan. (2007). *Das kulturelle Gedächtnis: Schrift, Erinnerung und politische Identität in frühen Hochkulturen*, München: Verlag C. H. Beck.
- Bashīrī, ‘A. A. (2020). The Connection between Epic *Kūshnāma* and the Kushite Kings in Africa in the First Millennium BCE. *Āyina-yi mīrās* [Mirror of Heritage], (65), 181-202. [In Persian]
- Bietak, Manfred. (2005). Egypt and the Aegean: Cultural Convergence in a Thutmoside Palace at Avaris,” in *Hatshepsut: From Queen to Pharaoh*, ed. Catharine H. Roehrig et al., New York: The Metropolitan Museum of Art; New Haven: Yale University Press.

- Briant, Pierre. (2002). *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*, trans. Peter T. Daniels. Winona Lake: Eisenbrauns.
- Bryan, Betsy M. (2002). "The 18th Dynasty before the Amarna Period (c.1550-1352 BC)," in *The Oxford History of Ancient Egypt*, ed. Ian Shaw, Oxford: Oxford University Press.
- Burke, Peter. (2005). *History and Social Theory*. 2nd ed. Cambridge: Polity Press.
- Cohen, D. (1986). "Kūsh," in *The Encyclopaedia of Islam* .(2nd ed.). vol. 5, ed. C. E. Bosworth, et al., Leiden: E. J. Brill.
- Cook, J. M. (1985). "The Rise of the Achaemenids and Establishment of Their Empire," in *The Cambridge History of Iran*, vol. 2, *The Median and Achaemenian Periods*, ed. Ilya Gershevitch, Cambridge: Cambridge University Press.
- Cui, Lianzhong, et al. (1997). *Shijie Tongshi* [世界通史; History of the world], 6 vols, Beijing: Renmin chubanshe. [in Chinese]
- Dalley, Stephanie. (1994). "Nineveh, Babylon and the Hanging Gardens: Cuneiform and Classical Sources Reconciled," *Iraq*, vol. 56: 45-58.
- Davies, W. Vivian. (2005). "Egypt and Nubia: Conflict with the Kingdom of Kush," in *Hatshepsut: From Queen to Pharaoh*, ed. Catharine H. Roehrig et al., New York: The Metropolitan Museum of Art; New Haven: Yale University Press.
- Dehkhodā, A. A. (1998-99). *Loghatnāme: Encyclopedic Dictionary*. in 16 volumes, edited by Mohammad Mo'in and Ja'far Shahidi. Tehran: Tehran University Publications. [In Persian]
- Gul-Muḥammadī, Pūryā and Khāliqī-Muṭṭlaq, Jalāl. (2007). "For the Iranians, *Shāhnāma* is History rather than Legend," *Rūdakī*, vol. 15: 176-179. [In Persian]
- Hu, Shi. (2003). "Sanxia wuyi xu" [三侠五义序; Preface to *Three Knight-errants and Five Righteous Persons*], in *Hu Shi quanji* [胡适全集; The Complete works of Hu Shi], ed. Ji Xianlin, vol. 3, Hefei: Anhui jiaoyu chubanshe. [In Chinese]
- Ibn Abī al-Khayr, Īrānshān. (1998). *Kūshnāma*. edited by Jalāl Matīnī. Tehran: 'Ilmī. [In Persian]
- Liu, Yingjun. (2015a). "Wenxue dui minzu jiyi de chonggou: Yilang shishi *Kushiwangji yanjiu*" [文学对民族记忆的重构: 伊朗史诗库什王纪研究; *The Role of Literature in the Reconstruction of National Memory: A Research on Iranian Epic Kūshnāma*], PhD diss., Peking

University,

<https://thesis.lib.pku.edu.cn/docinfo.action?learnid=1101110991>. [In Chinese]

- _____. (2015b), “Yilang shishi *Kushi wangji* suozai gudai Zhongguo dili xinxi chuyi” [伊朗史诗库什王纪所载古代中国地理信息刍议; A study of the geographic information on ancient China contained in the Iranian epic *Kūshnāma*], in *Xiyu wenshi* [西域文史; Literature and history of the Western Regions], vol. 10, ed. Zhu Yuqi, Beijing: Kexue chubanshe, 233-252. [In Chinese]
- _____. (2017). “Cong *Kushi wangji* kan gudai Yilang yu Dongya zhi jiaotong” [从库什王纪看古代伊朗与东亚之交通; The travel routes between ancient Iran and East Asia as reflected in *Kūshnāma*], *Xiyu yanjiu* [西域研究; The Western Regions Studies] 105: 63-75. [In Chinese]
- _____. (2018). “Possible Connections between Historical Events and the Plots of Iranian Princes Exiled in Chīn and B.sīlā Depicted in *Kūshnāma*,” *Acta Koreana* 21, no. 1: 37-63.
- _____. (2019). “*Kushi wangji* suozai B.sīlā yu Dongya guguo Xinluo” [库什王纪所载B.sīlā与东亚古国新罗; B.sīlā in *Kūshnāma* and the ancient East Asian kingdom of Silla], in *Makeboluo yu 10-14 shiji de Sichouzhilu* [马可·波罗与10—14世纪的丝绸之路; Marco Polo and the Silk Road (10th-14th Century)], ed. Rong Xinjiang and Dang Baohai, Beijing: Beijing daxue chubanshe, 322-340. [In Chinese]
- _____. (2021). *Wenxue dui minzu jiyi de chonggou: Yilang shishi Kushiwangji yanjiu* [文学对民族记忆的重构——伊朗史诗《库什王纪》研究; The Role of Literature in Reconstruction of National Memory: A Research on Iranian Epic *Kūshnāma*], Shanghai: Zhongxi shuju. [In Chinese]
- Lobban, Richard A. (2003). *Historical dictionary of ancient and medieval Nubia*, Lanham: The Scarecrow Press.
- Matīnī, Jalāl. (1999). “Certain Battle Tactics in *Kūshnāma* (In Memory of My Master Zabīh Allāh Ṣafā),” *Īrānshināsī* [Iranian Studies], vol. 43: 649-667. [In Persian]
- Moran, William L., ed. and trans. (1992). *The Amarna Letters*. Baltimore: The Johns Hopkins University Press.
- Redford, Donald B. (2004). *From Slave to Pharaoh: The Black Experience of Ancient Egypt*, Baltimore: The Johns Hopkins University Press.

- Röllig, W. (1980-1983). "Kuš, Kuschiten," in *Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen Archäologie*, vol. 6, ed. Dietz Otto Edzard, Berlin: Walter de Gruyter.
- Şafā, Zabīḥ Allāh. (1995a). *Ḥamāsa-sarāyī dar Īrān* [Epic Composition in Iran]. Tehran: Firdaws. [In Persian]
- Şafā, Zabīḥ Allāh. (1995b). "On the Source of *Shāhnāma* and Other National Epics," in *I Will Not Die Henceforth as I Will Be Alive: Proceedings of the World Congress in Honor of Ferdowsi*, edited by Ghulāmriżā Sutūda, Tehran: Tehran University Publications, 47-55. [In Persian]
- Sharp, Ralph Norman, ed. (1964). *The Inscriptions in Old Persian of the Achaemenian Emperors*, Shīraz: The Central Council of the Celebration of the 25th Century of the Foundation of the Iranian Empire.
- Schaeder, H. H. (1997). "Sawād," in *The Encyclopaedia of Islam* (2nd ed.), vol. 9, ed. C. E. Bosworth et al., Leiden: Brill.
- Ṭabarī. (1987). *The History of al-Ṭabarī (Ta'riḫ al-rusul wa'l-mulūk)*, vol. 2, *Prophets and Patriarchs*, trans. William M. Brinner, ed. Ehsan Yar-Shater, Albany: State University of New York Press.
- Taylor, John. (2002). "The Third Intermediate Period (1069-664 BC)," in *The Oxford History of Ancient Egypt*, ed. Ian Shaw, Oxford: Oxford University Press.
- Zhang, Dainian and Fang, Keli. (2004). [中国文化概论; An introduction to Chinese culture]. Beijing: Beijing shifan daxue chubanshe. [In Chinese]
- Zhang, Guangda. (2008). *Wenshu dianji yu Xiyu shidi* [文书 典籍与西域史地; Ancient texts, books, and records concerning the history and geography of the Western Regions]. Guilin: Guangxi shifan daxue chubanshe. [In Chinese]
- Zhong, Jingwen. (2010). *Minjian wenxue gailun* [民间文学概论; A conspectus of folk literature], 2nd edition, Beijing: Gaodeng jiaoyu chubanshe. [In Chinese]

استناد به این مقاله: لیو، بینگ‌جون. (۱۴۰۲). کوش‌نامه و نقش قهرمان بیگانه «آماج‌گونه» در بازسازی هویت ملی ایرانیا. متن پژوهی ادبی، ۲۷(۹۵)، ۳۴۷-۳۷۷. doi: 10.22054/LTR.2022.68196.3569



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.